

حقیقت چیست؟ — شمارهٔ چہارم

نگذارید دل شما مضطرب شود

Jeff Pippenger

2023-09-09

در آغاز تاریخ میلریتی در سال ۱۷۹۸، رؤیای نهر اولای در کتاب دانیال مہرگشایی شد و افزایشی در معرفت پدید آورد کہ دو طبقہ از پرستندگان را آزمود و آشکار ساخت. رؤیای اولای، پیام درونی برای قوم خدا را، آن گونہ کہ در قالب ہفت کلیسای مکاشفہ، فصول دو و سہ، نمایان شدہ است، بہ تصویر می کشد. در پایان تاریخ نبوی ای کہ در ۱۷۹۸ آغاز شد، در اجتماع اردویی اگزتر از ۱۲ تا ۱۷ اوت ۱۸۴۴، پیام فریاد نیمہ شب مہرگشایی شد، ہنگامی کہ شیر سبط یہودا دست خود را از حقیقتی پنهان برگرفت؛ و این امر افزایشی در معرفت پدید آورد کہ دو طبقہ از پرستندگان را آزمود و آشکار ساخت.

در سال ۱۹۸۹، ہنگامی کہ، چنان کہ در دانیال فصل پازدہ، آیۂ چہل توصیف شدہ است، کشورہایی کہ نمایانگر اتحاد جماہیر شوروی سابق بودند بہ وسیلہ پاپیت و ایالات متحدہ جاروب شدند، رؤیای نهر حیدل در کتاب دانیال مہرگشایی شد و افزایشی در معرفت پدید آورد کہ دو طبقہ از پرستندگان را آزمود و آشکار ساخت. رؤیای حیدل نمایانگر پیام بیرونی دشمنان قوم خداست، چنان کہ در ہفت مہر کتاب مکاشفہ بازنمایی شدہ اند. در پایان تاریخ نبوی ای کہ در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، از واپسین یکی دو ہفتہ ژوئہ ۲۰۲۳، شیر سبط یہودا فرایند مہرگشایی پیام فریاد نیمہ شب را با برداشتن دست خود از حقیقتی نہان آغاز کرد؛ امری کہ افزایشی در معرفت پدید می آورد کہ در میان قوم خدا دو طبقہ از پرستندگان را می آزماید و سرانجام آشکار خواہد ساخت.

در آیۂ نخست از باب چہار دہم یوحنا، مسیح شاگردان را تشویق می کند کہ دل ہایشان مضطرب نگردد.

دل شما مضطرب نشود؛ بہ خدا ایمان دارید، بہ من نیز ایمان داشتہ باشید. یوحنا ۱:۱۴.

در عرض چند ساعت، مسیح دستگیر شد و اندکی پس از آن مصلوب گردید، دفن شد و قیام کرد. پس از صعود نزد پدر، او نزد شاگردان خود بازگشت.

اور جب وہ یہ باتیں کر ہی رہے تھے تو یسوع خود اُن کے درمیان آ کھڑا ہوا اور اُن سے کہا، تمہیں سلامتی حاصل ہو۔ لیکن وہ گھبرا گئے اور نہایت خوف زدہ ہوئے، اور یہ گمان کرنے لگے کہ انہوں نے کسی روح کو دیکھا ہے۔ اور اُس نے اُن سے کہا، تم کیوں مضطرب ہو؟ اور تمہارے دلوں میں یہ خیال کیوں اُٹھتے ہیں؟ لوقا ۲۴:۳۶-۳۸.

نخستین نومیدی در یک خط اصلاحی زمانی رخ می دہد کہ قوم خدا حقیقتی را کہ پیش تر مکشوف شدہ است از یاد می برند. شاگردان آنچه را کہ عیسی کمتر از یک ہفتہ پیش از آن، پیش از آن کہ ترس و نومیدی شان در بحران صلیب آشکار گردد، بہ ایشان گفتہ بود، فراموش کردہ بودند. پس از نخستین نومیدی، زمانی از درنگ فرا می رسد کہ در مَثَل دہ باکرہ، با غیبت داماد بہ تصویر کشیدہ شدہ است. عیسی بہ صراحت بہ شاگردان گفتہ بود کہ نزد پدر خود می رود، اما بازخواہد گشت. آن پیش دانیسی کہ او بہ شاگردان دادہ بود، مانع آن نشد کہ ایشان در برابر بحران مغلوب شوند. در چارچوب مَثَل دہ باکرہ، بحران جایی است کہ در آن سیرت آشکار می شود، نہ آن کہ در آن پرورش یابد. عیسی شاگردان را برگزیدہ و منصوب کردہ بود، و ہمین حقیقت را پیش از بحران بہ ایشان گفتہ بود.

شما مرا برگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و مقرر داشتم تا بروید و میوه آورید، و میوه شما باقی بماند؛ تا هر آنچه از پدر به نام من درخواست کنید، آن را به شما عطا فرماید. یوحنا ۱۵:۱۶.

با این همه، هرچند آنان برگزیده شده بودند، این امر مانع از آن نشد که در برابر بحران مغلوب شوند.

«شخصیت در هنگام بحران آشکار می‌شود. هنگامی که آن آواز جدی در نیمه شب ندا داد: "اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید"، باکره‌های خفته از خواب خود برخاستند، و آشکار شد چه کسانی برای آن واقعه آماده شده بودند. هر دو گروه غافلگیر شدند، اما یکی برای آن وضعیت اضطراری آماده بود، و دیگری بی‌هیچ آمادگی یافت شد. شخصیت به وسیله اوضاع و احوال آشکار می‌گردد. وضعیت‌های بحرانی جوهر راستین شخصیت را ظاهر می‌سازند. بلایی ناگهانی و پیش‌بینی نشده، سوگواری یا بحرانی، بیماری یا اندوهی غیرمنتظره، چیزی که جان را رودررو با مرگ قرار دهد، حقیقت درونی شخصیت را آشکار خواهد ساخت. آشکار خواهد شد که آیا ایمانی واقعی به وعده‌های کلام خدا وجود دارد یا نه. آشکار خواهد شد که آیا جان به وسیله فیض نگه داشته می‌شود یا نه، و آیا در ظرف، همراه با چراغ، روغنی هست یا نه.»

"زمانه‌های آزمون بر همه می‌آید. ما در زیر امتحان و محک خدا چگونه رفتار می‌کنیم؟ آیا چراغ‌های ما خاموش می‌شود؟ یا همچنان آن‌ها را افروخته نگاه می‌داریم؟ آیا به واسطه اتصال خود با او که سرشار از فیض و راستی است، برای هر وضعیت اضطراری آماده‌ایم؟ پنج باکره دانا نتوانستند منش خود را به پنج باکره نادان منتقل کنند. منش باید به وسیله هر یک از ما به عنوان افرادی مستقل شکل گیرد." Review and Herald, October 17, 1895.

مکاشفه عیسی مسیح که در آیات نخستین کتاب مکاشفه معرفی شده است، آخرین پیام هشدار به کلیسا و پس از آن به جهان است. آن مکاشفه اندکی پیش از پایان زمان آزمایش، به وسیله شیر قبیله یهودا گشوده می‌شود؛ همان که در باب پنجم مکاشفه به عنوان تنها کسی که شایسته گشودن آن کتاب مهر شده است، شناسانده شده است.

اور بزرگوں میں سے ایک نے مجھ سے کہا، مت رو؛ دیکھ، یہوداہ کے قبیلے کا شیر، داؤد کی جڑ، غالب آیا ہے کہ اس کتاب کو کھولے اور اس کی سات مہریں توڑے۔ مکاشفہ 5:5

شیر سبط یهوداہ ساتھ ہی «اصل داؤد» بھی ہے، اور وہ «ابن داؤد» بھی ہے، اور وہ داؤد کا خداوند بھی ہے۔ شیر سبط یهوداہ سے ظاہر ہونے والا ربط اس امر کی نشان دہی کرتا ہے کہ جب شیر سبط یهوداہ کسی سچائی پر مہر لگاتا ہے یا اس کی مہر کھولتا ہے، تو وہ ایسا پہلی بار ذکر ہونے کے اصول کو بروئے کار لاتے ہوئے کرتا ہے، جو کسی چیز کے انجام کو اس کے آغاز کے ذریعے متعین کرتا ہے، جیسا کہ یسوع کے «اصل داؤد» ہونے سے ظاہر ہے۔ جب زمانہ آخر کے 'ایک' وقت میں کسی سچائی کی مہر کھولی جاتی ہے، تو ایک تطہیری عمل شروع ہو جاتا ہے، جیسا کہ دانی ایل بارہ میں ظاہر کیا گیا ہے۔

«ابن شیر سبط یهوداہ بود کہ کتاب را گشود و به یوحنا مکاشفہ آنچه را کہ در این ایام آخر باید واقع شود، عطا کرد. دانیال در نصیب خود ایستاد تا شہادت خویش را ادا کند؛ شہادت کہ تا زمان آخر مہر شدہ بود، آنگاہ کہ پیام فرشتہ اول باید بہ جهان ما اعلام می‌شد. این امور در این ایام آخر از اہمیتی بی‌نہایت برخوردارند؛ اما با آنکہ "بسیاری طاهر و سفید و ممتحن خواهند شد،" "شریران شرارت خواهند کرد، و ہیچ یک از شریران نخواهند فہمید." Manuscript Releases, جلد 18، 14، 15.

کار عیسی، یهوداہ کے قبیلے کے شیر کی حیثیت سے، لامحدود اہمیت رکھتا ہے، لیکن "شریروں" میں سے "کوئی بھی" اس کے کام کو یا اس پیغام کو، جو مہر کھولا گیا ہے، نہ سمجھ گا۔

او گفت: «ای دانیال، راه خود را در پیش گیر؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده است. بسیاری طاهر خواهند شد، و سفید گردانیده خواهند گشت، و آزموده خواهند شد؛ اما شیران به شرارت عمل خواهند کرد؛ و هیچیک از شیران نخواهند فهمید؛ لیکن دانایان خواهند فهمید.»
دانیال ۹: ۱۲، ۱۰

آزمون به واسطه سه گام به تصویر کشیده شده است: «تطهیر شدند، سفید گردانیده شدند، و آزموده شدند.» این سه گام، بیانگر سه گام «انجیل جاودانی» هستند، که در پیام فرشته اول چنین نمود یافته‌اند: از خدا بترسید (تطهیر شدند)، او را جلال دهید (سفید گردانیده شدند)، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است (آزموده شدند). این سه گام همان «حق» هستند، چنان‌که به وسیله حرف نخست، حرف سیزدهم، و حرف آخر الفبای عبری نمایانده شده‌اند؛ و هنگامی که این حروف در آن ترتیب در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، واژه عبری «حق» پدید می‌آید.

آن سه گام همان «راه» هستند، زیرا راه خدا، بنا بر گفته آساف در مزمور 77:13، در قدس است؛ جایی که در صحن آن، گناهکار به واسطه ریختن خون تطهیر می‌شود. سپس آن خون به مکان مقدس برده می‌شود که نمایانگر تقدیس است؛ یعنی فرایند «سفید گردانیده شدن».

یکی از مشایخ در پاسخ به من گفت: اینان که به جامه‌های سفید آراسته‌اند، کیستند و از کجا آمده‌اند؟ و بدو گفتم: سرورم، تو می‌دانی. و او به من گفت: اینان همان کسانی هستند که از مصیبت عظیم بیرون آمده‌اند، و جامه‌های خود را در خون بره شسته‌اند و آنها را سفید گردانیده‌اند. مکاشفه ۷:۱۳، ۱۴

گناهکاری که عادل شمرده شده و تقدیس یافته است، آنگاه آماده می‌شود تا در داوری‌ای که به وسیله قدس‌الاقداس نمادین گردیده است، «آزموده» شود. عیسی «راه» و «راستی» و «حیات» است. راه، آغاز است؛ راستی، میانه است؛ و حیات، انجام است. اگر به وسیله گام نخست تطهیر شویم، در راه هستیم؛ راهی که طریق عادل‌شمردگان است.

اما راه عادلان همچون نور تابان است که تا روز کامل، هرچه بیشتر می‌درخشد. امثال 4:18.

گام دوم، تجلّی پارسایی است که به وسیله حقیقت او تحقق می‌یابد، زیرا کلام او حق است.

آنان را به وسیله حقّ تو تقدیس فرما؛ کلام تو حقّ است. یوحنا ۱۷:۱۷.

کسانی که عادل شمرده شده‌اند با گام نخست نشان داده می‌شوند، و کسانی که تقدیس یافته‌اند با گام دوم نشان داده می‌شوند. دو گام نخست، آنان را که عادل شمرده و تقدیس شده‌اند، برای ورود به داوری و دریافت حیات جاودان آماده می‌سازند. عیسی راه و راستی و حیات است.

«درستی درون به وسیله درستی بیرون گواهی می‌شود. آن‌که در درون عادل است، سبکدل و بی‌همدردی نیست، بلکه روز به روز به صورت مسیح درمی‌آید و از قوتی به قوت دیگر پیش می‌رود. آن‌که به وسیله حقیقت تقدیس می‌شود، خویشتندار خواهد بود و در ردپای مسیح گام خواهد زد تا آن‌گاه که فیض در جلال محو شود. آن پارسایی که به وسیله آن عادل شمرده می‌شویم، محسوب می‌گردد؛ آن پارسایی که به وسیله آن تقدیس می‌شویم، عطا می‌شود. نخستین، عنوان ما برای آسمان است؛ دومین، شایستگی ما برای آسمان.» Review and Herald, June 4, 1895

فصل چهاردهم تا فصل هفدهم انجیل یوحنا بارها به مسئله واکنش شاگردان می‌پردازد، آنگاه که مسیح ایشان را ترک می‌کند تا نزد پدر خویش برود. او وعده می‌دهد که باز خواهد گشت، و می‌دانست—هرچند شاگردان نمی‌دانستند—که بحران به زودی فرارسنده، یاسی عمیق پدید خواهد

آورد. در تار و پود این چهار فصل، شناسایی و تعریف روح القدس به عنوان «تسلی‌دهنده» تنیده شده است. روح القدس در انجیل یوحنا چهار بار به عنوان «تسلی‌دهنده» معرفی شده است، و یک بار نیز در اول یوحنا، اما در آنجا این واژه «شفاعت‌کننده» ترجمه شده است. این واژه در هیچ جای دیگر عهد جدید یافت نمی‌شود.

در عهد عتیق واژه‌ای عبری وجود دارد که در جامعه چهار آیه یک و در مراشی باب یک آیات ٦ و شانزده به «تسلی‌دهنده» ترجمه شده است. هر سه این ارجاعات بیانگر آن است که ستمگران بر قوم خدا ستم روا داشته‌اند و آنان هیچ تسلی‌دهنده‌ای ندارند تا در تنگی و نومییدی‌ای که خود را در آن یافته‌اند، پشتیبان ایشان باشد.

تشخیص روح القدس به عنوان «تسلی‌دهنده» در آن بخش از کلام آمده است که عیسی می‌کوشد شاگردان را برای نومییدی عظیمی که تنها چند ساعت بعد در پیش است آماده سازد. او در آن زمینه تأکید می‌کند که حتی در غیاب او نیز روح القدس حاضر خواهد بود تا برای ایشان تسلی فراهم آورد. عیسی، با معرفی روح القدس در چارچوب تسلی‌دهنده، ویژگی‌های کاری را که تسلی‌دهنده به انجام خواهد رساند مشخص می‌سازد.

اشارات مکرر عیسی به رفتن و بازگشت خود، همین موضوع را از حیث مضمون اصلی این بخش، در صدر فهرست قرار می‌دهد.

یوحنا 14:2-4، 18، 19، 28، 5:16-7، 10، 28، 11:17-13 آیاتی هستند که مستقیماً به زمان تأخیر در مثل ده باکره می‌پردازند. همراه با آیات پیشین، عبارت زیر نیز آمده است که از طریق تکرار، بر زمان تأخیر تأکید می‌ورزد، زیرا «خداوند اموری را که اهمیت بسزایی ندارند تکرار نمی‌کند.»

اندک زمانی، و مرا نخواهید دید؛ و باز اندک زمانی، و مرا خواهید دید، زیرا نزد پدر می‌روم. آنگاه بعضی از شاگردانش با یکدیگر گفتند: این چیست که به ما می‌گوید، اندک زمانی، و مرا نخواهید دید؛ و باز اندک زمانی، و مرا خواهید دید؛ و باز اندک زمانی، و مرا خواهید دید؟ پس گفتند: این چیست که می‌گوید، اندک زمانی؟ نمی‌دانیم چه می‌گوید. عیسی دانست که می‌خواستند از او بپرسند، و بدیشان گفت: آیا در میان خود از آنچه گفتم جست‌وجو می‌کنید که، اندک زمانی، و مرا نخواهید دید؛ و باز اندک زمانی، و مرا خواهید دید؟ آمین، آمین، به شما می‌گویم که شما خواهید گریست و ماتم خواهید کرد، لیکن جهان شادی خواهد نمود؛ و شما اندوهگین خواهید شد، اما اندوه شما به شادی مبدل خواهد گشت. زن چون در حال زاییدن است، اندوه دارد، زیرا ساعت او فرارسیده است؛ لیکن چون طفل را بزاید، دیگر آن رنج را به یاد نمی‌آورد، از شادی اینکه انسانی به جهان آمده است. و شما نیز اکنون اندوه دارید؛ اما باز شما را خواهم دید، و دل شما شاد خواهد شد، و شادی شما را هیچ‌کس از شما نخواهد گرفت. یوحنا 16:16-22.

حداقل بیست و یک آیه در فصل چهاردهم تا فصل هفدهم، دوره زمانی‌ای را مشخص می‌کنند که در آن شاگردان می‌بایست در انتظار بازگشت مسیح بمانند. آن دوره زمانی با مرگ مسیح آغاز می‌شد و تا بازگشت او از نزد پدرش ادامه می‌یافت. زمانی که آنان می‌بایست برای بازگشت او انتظار بکشند، نماد زمان تأخیر در مثل ده باکره است. همان‌گونه که در گزارش لوقا از شاگردان عیائوس آمده است، نومییدی صلیب به‌گونه‌ای نبوی، آغاز زمان تأخیری را که در پی نخستین نومییدی می‌آید، نمونه‌وار ترسیم می‌کند.

در نخستین بخش نخستین کتاب کتاب مقدس، روایت آفرینش را می‌یابیم و سه شخص تثلیث آسمانی را تشخیص می‌دهیم. در نخستین بخش آخرین کتاب کتاب مقدس، سه شخص تثلیث آسمانی را می‌یابیم. در چهار فصلی که در نظر داریم، سه شخص تثلیث آسمانی را می‌یابیم. تشخیص این حقیقت ما را قادر می‌سازد که آن چهار فصل یوحنا را بر خط نبوتی پیدایش، باب یک آیه یک تا باب دو

آیہ سہ، و نیز بر مکاشفہ، باب یک آیات یک تا یازدہ، منطبق سازیم۔

در این بخش، عیسیٰ بہ توما میگوید کہ اگر کسی عیسیٰ را دیدہ باشد، پدر را نیز دیدہ است۔ این بخش ہمچنین بیان می کند کہ مسیح همان کسی بود کہ با حضور خود شاگردان را تسلی می داد، اما ہنگامی کہ برود، «تسلی دہندہ ای» «دیگر» خواہد فرستاد۔ روح القدس تسلی دہندہ است، اما مسیح نیز تسلی دہندہ بود۔

اگر مرا می شناختید، پدر مرا نیز می شناختید؛ و از این پس او را می شناسید و او را دیدہ اید۔ فیلیپس بہ او گفت: «ای خداوند، پدر را بہ ما نشان دہ، و ما را کافی است۔» عیسیٰ بہ او گفت: «آیا این ہمہ مدت با شما بودہ ام و ہنوز مرا نشناختہ ای، ای فیلیپس؟ آن کہ مرا دیدہ است، پدر را دیدہ است؛ پس چگونہ می گوی: "پدر را بہ ما نشان دہ"؟» یوحنا 9-14:7

توماس نمایانگر کسانی در ادونتیسم است کہ از دیدن شہادت مربوط بہ رابطہ سہ گانہ آسمانی سر باز می زنند، با وجود آن کہ احتمالاً بارہا و بارہا شہادت هایی را کہ آن حقیقت را تأیید می کنند خواندہ اند۔

اور میں باپ سے درخواست کروں گا، اور وہ تمہیں ایک اور مددگار عطا کرے گا، تاکہ وہ ہمیشہ تک تمہارے ساتھ رہے؛ یعنی روح حق، جسے دنیا قبول نہیں کر سکتی، کیونکہ وہ نہ اسے دیکھتی ہے اور نہ اسے جانتی ہے؛ لیکن تم اسے جانتے ہو، کیونکہ وہ تمہارے ساتھ رہتا ہے اور تم میں ہوگا۔ میں تمہیں بے آسرا نہ چھوڑوں گا؛ میں تمہارے پاس آؤں گا۔ تھوڑی ہی دیر میں دنیا مجھے پھر نہ دیکھے گی؛ لیکن تم مجھے دیکھو گے۔ چونکہ میں زندہ ہوں، اس لیے تم بھی زندہ رہو گے۔ یوحنا 14:16-19۔

اگر ما عیسیٰ را دیدہ ایم، پدر را دیدہ ایم۔ عیسیٰ «تسلی دہندہ» است و روح القدس «تسلی دہندہ ای دیگر»۔ اگر ما عیسیٰ را دیدہ ایم، پدر را دیدہ ایم و تسلی دہندہ را نیز دیدہ ایم۔ از پنج باری کہ واژہ «تسلی دہندہ» در کتاب مقدس بہ کار رفتہ است، ہمہ آن ہا بہ وسیلہ رسول یوحنا استعمال شدہ اند۔ در پنجمین مورد، این واژہ بہ «شفاعت کنندہ» ترجمہ شدہ است۔

فرزندان کوچک من، این امور را بہ شما می نویسم تا گناہ نکنید۔ و اگر کسی گناہ کند، نزد پدر شفیعہ داریم، یعنی عیسیٰ مسیح عادل۔ ۱ یوحنا ۲:۱۔

اگر کسی گناہ کند، نزد پدر شفیعہ داریم، یعنی عیسیٰ مسیح عادل۔ شفیع کسی است کہ بہ نفع گناہکار وساطت می کند۔ پولس کار عیسیٰ را بہ عنوان شفیع ما معرفی می کند۔

کیست آن کہ محکوم می کند؟ مسیح است کہ مرد، بلکہ افزون بر آن، کہ برخاست نیز، آن کہ بہ دست راست خدا نیز ہست، و برای ما نیز شفاعت می کند۔ رومیان ۸:۳۴۔

عیسیٰ گناہکار کے وکیل ہیں، اور اس میں یہ بھی شامل ہے کہ وہ تسلی دینے والے ہیں۔ اسی باب میں پولس اس سے پہلے یہ بیان کر چکے تھے کہ روح القدس بھی ہمارے لیے شفاعت کرتا ہے۔

ایضاً روح نیز ضعف های ما را مدد می رساند؛ زیرا نمی دانیم آن گونه کہ شایستہ است برای چہ باید دعا کنیم؛ لیکن خود روح برای ما با نالہ هایی کہ وصف ناپذیر است شفاعت می نماید۔ و او کہ دل ہا را تفتیش می کند، می داند کہ اندیشہ روح چیست، زیرا کہ او برای مقدسان موافق ارادہ خدا شفاعت می کند۔ رومیان ۸:۲۶، ۲۷

عیسیٰ اور روح القدس دونوں کو تسلی دینے والا کہا گیا ہے، اور لہذا دونوں ہی ہمارے لیے شفاعت کرنے والے وکیل ہیں۔ آسمانی تثلیث کی یہ تینوں ہستیاں یوحنا کے اس اقتباس میں سب کی سب نمایاں ہیں جس پر ہم غور کر رہے ہیں، اور جب انہیں کتاب مقدس کی پہلی کتاب کی پہلی گواہی اور کتاب مقدس کی آخری کتاب کی پہلی گواہی کے ساتھ یکجا کیا جاتا ہے تو الوہیت کی ان تین ہستیوں کے

باہمی تعلق اور کام کے بارے میں روشنی مزید درخشاں ہو جاتی ہے۔

»پدر را نمی توان با چیزهای زمینی توصیف کرد. پدر تمامی پری الوهیت را به صورت جسمانی داراست، و از دیدگان فانی نادیدنی است. پسر تمامی پری الوهیت ظاہر شدہ است. کلام خدا او را «صورت عین ذات او» اعلام می کند. «زیرا خدا جهان را این قدر محبت نمود کہ پسر یگانہ خود را داد تا ہر کہ بہ او ایمان آورد ہلاک نگردد، بلکہ حیات جاودانی یابد.» در اینجا شخصیت پدر آشکار شدہ است.»

تسلی دہندہ ای کہ مسیح وعدہ داد پس از صعود خود بہ آسمان بفرستد، روح است در تمام پری الوهیت، کہ قدرت فیض الہی را بر ہمہ کسانی کہ مسیح را بہ عنوان نجات دہندہ ای شخصی می پذیرند و بہ او ایمان می آورند، آشکار می سازد. در این سہ گانہ آسمانی، سہ شخص زندہ وجود دارند. بہ نام این سہ قدرت—پدر، پسر، و روح القدس—آنان کہ مسیح را بہ واسطہ ایمان زندہ می پذیرند، تعمید می یابند، و این قدرت ہا با مطیعان آسمان در کوشش ہایشان برای زیستن حیات نو در مسیح، ہمکاری خواہند کرد.

»گناہکار چہ باید بکند؟ — بہ مسیح ایمان آورد. او ملک مسیح است، کہ بہ خون پسر خدا خریدہ شدہ است. نجات دہندہ از میان آزمون و ابتلا، انسان ہا را از بردگی گناہ فدیہ داد. پس ما چہ باید بکنیم تا از گناہ نجات یابیم؟ — بہ عیسی مسیح خداوند، بہ عنوان نجات دہندہ آمرزندہ گناہ، ایمان آوریم. ہر کہ بہ گناہ خود اعتراف کند و دل خویش را فروتن سازد، آمرزش خواہد یافت. عیسی، ہم نجات دہندہ آمرزندہ گناہ است و ہم پسر یگانہ خدای نامتناہی. گناہکار آمرزیدہ از طریق عیسی مسیح، رہانندہ ما از گناہ، با خدا آشتی دادہ می شود. چون در طریق قدوسیت بماند، تابع فیض خداست. نجات کامل، شادی، و سلامتی، و نیز آن حکمت حقیقی کہ از خدا می آید، برای او آورده می شود.»

ایمان بہ خون کفارہ کنندہ عیسی مسیح، ضامن آمرزش است. مسیح می تواند ہر گناہی را پاک سازد. اعتماد سادہ بہ آن قدرت، روز بہ روز، بہ عامل انسانی حکمتی نافذ می بخشد تا تشخیص دہد کہ در این ایام آخر چہ چیزی جان را از اسارت گناہ محفوظ خواہد داشت. او باید بہ وسیلہ ایمان و دعا، از طریق معرفت مسیح، نجات خویش را بہ انجام رساند.

»روح القدس ما را بہ ہمہ حقیقت می شناسد و ہدایت می کند. خدا پسر یگانہ خود را عطا فرمودہ است، تا ہر کہ بہ او ایمان آورد ہلاک نگردد، بلکہ حیات جاودانی یابد. مسیح نجات دہندہ گناہکار است. مرگ مسیح گناہکار را فدیہ کردہ است. این یگانہ امید ماست. اگر خویشتن را بہ طور کامل تسلیم کنیم و فضایل مسیح را بہ عمل آوریم، جایزہ حیات جاودانی را بہ دست خواہیم آورد.»

»کسی کہ بہ پسر ایمان دارد، پدر را نیز دارد.» آن کہ ایمانی پیوستہ بہ پدر و پسر دارد، روح را نیز دارد. روح القدس تسلی دہندہ اوست، و او ہرگز از حقیقت منحرف نمی شود. مدرسہ تربیت کتاب مقدسی، ۱ مارس ۱۹۰۶.

افزون بر نور مزیدی کہ از کار و رابطہ آن سہ گانہ آسمانی حاصل می شود، شناسایی آن سہ گانہ آسمانی در این عبارت، گواہی فراہم می آورد بر این کہ این چہار فصل باید با پیامی ہمہاہنگ گردند کہ اکنون بہ وسیلہ شیر سبط یہودا در حال گشودہ شدن است.

گواہی داستان شاگردان عماؤس تین شہادتوں کی نمائندگی کرتی ہے، جو اس امر کی نشان دہی کرتی ہیں کہ صلیب کے بعد آنے والی مایوسی اور تأخیر کا زمانہ، پہلی مایوسی کے بعد آنے والی مایوسی اور تأخیر کے زمانے کی نمائندگی کرتا ہے۔ ایک اور گواہ بھی ہے جو اس بات کی تائید کرتا ہے کہ یوحنا کے چار ابواب میں پیش کی گئی تاریخ پہلی مایوسی کے حالات کی نمائندگی کرتی ہے۔

آخرین آیه روایت آفرینش، که نخستین حقیقت مذکور در کلام خداست، با سه واژه پایان می‌یابد، و هر یک از آن واژه‌ها با یکی از سه حرفی آغاز می‌شود که واژه «حقیقت» را می‌سازند، و این امر به ترتیب درست انجام می‌گیرد. روایت آفرینش در پیدایش با عبارت «در ابتدا» آغاز می‌شود و با این سه واژه پایان می‌یابد: «خدا آفرید و ساخت.»

آن سه واژه، هنگامی که با هم ترکیب شوند، واژه «truth» را پدید می‌آورند. روایت آفرینش با «آغاز» شروع می‌شود و با واژه‌ای پایان می‌یابد که به‌طور نمادین به‌وسیله حروفی که نمایانگر آلفا و امگا هستند، بازنمایی شده است. همچنین، در بخش آغازین آخرین کتاب کتاب مقدس، عیسی دو بار به‌عنوان آلفا و امگا، آغاز و انجام، اول و آخر معرفی می‌شود. آن سه حرف که نمایانگر آلفا و امگا هستند، گواهی دیگری نیز فراهم می‌آورند بر این‌که آن بخش در یوحنا باید با خط نبوتی در آغاز پیدایش و خط نبوتی در آغاز مکاشفه در کنار هم قرار داده شود. این شهادت در درون توصیف کار تسلی‌دهنده شناخته می‌شود. کار تسلی‌دهنده همان کار سه‌مرحله‌ای است که به‌وسیله همان سه حرف عبری بازنمایی شده است. امضای آلفا و امگا به ما امکان می‌دهد که این چهار فصل را در چارچوب پیام مکاشفه عیسی مسیح قرار دهیم؛ پیامی که اندکی پیش از بسته‌شدن زمان آزمایش گشوده می‌شود.

هفت رعد نمایانگر چهار نشانه زمانی مشخص (نقاطی در زمان) و سه دوره زمانی مشخص‌اند که با نشانه زمانی فرود آمدن فرشته‌ای آغاز می‌شوند که باید زمین را با جلال خویش منور سازد. آن نشانه زمانی، نقطه‌ای در زمان بود. دومین نشانه زمانی (نقطه‌ای در زمان)، نخستین نومیدی است که دوره زمان تأخیر را آغاز می‌کند. زمان تأخیر به سومین نشانه زمانی (نقطه‌ای در زمان) می‌انجامد، جایی که حقیقتی از مهر گشوده می‌شود و این امر جنبشی پدید می‌آورد. آن جنبش در چهارمین نشانه زمانی (نقطه‌ای در زمان)، که به‌صورت داوری نمایش داده شده است، به پایان می‌رسد. آن چهار نشانه زمانی و آن سه دوره زمانی، هر یک نمایانگر یک رعد هستند که در مجموع هفت رعد را تشکیل می‌دهند. آن‌ها همچنین نمایانگر ترکیب چهار-سه هستند.

در مقالات پیشین مشخص ساخته‌ایم که فهم پیشگامان از هفت کلیسا، هفت مهر و هفت کرنا، ترکیب «چهار و سه» را به رسمیت می‌شناسد. چهار کلیسا، مهر و کرنا نخست از سه کلیسا، مهر و کرنا آخر متمایزند. هفت رعد نمایانگر چهار نشانه راه‌اند، اما در درون آن چهار نشانه راه، سه دوره زمانی وجود دارد. ترکیب الهی «چهار و سه» که در کتاب مکاشفه بر پایه سه شاهد (کلیساها، مهرها و کرناها) استوار گردیده است، و آن شهود بر اعتبار ترکیب «چهار و سه» در هفت رعد کتاب مکاشفه شهادت می‌دهند.

تا در درون خط تاریخی‌ای که با هفت رعد نمایانده شده است، خط دیگری نهفته و متمایز از نبوت نیز وجود دارد که دارای سه نشانه راه است که از نماد نمایانده‌شده به‌صورت هفت رعد متمایز می‌باشند. بنابراین، هنگامی که رابطه نبوی هفت رعد را با تاریخ پنهانی که اکنون در حال گشوده‌شدن است در نظر می‌گیریم، درمی‌یابیم که هفت رعد چهار نشانه راه (نقاط زمانی) را عرضه می‌کند و تاریخ پنهان سه نشانه راه (نقاط زمانی) را عرضه می‌دارد. همانند کلیساها، مهرها، شیپورها و رعداها، تاریخ پنهان سه نشانه راه را نمایان می‌سازد که با چهار نشانه راه هفت رعد مرتبط هستند. تاریخ پنهان نیز دارای ترکیب سه-چهار است.

در تاریخ پنهانی که در درون هفت رعد نهفته است، سه نشانه راه متمایز وجود دارد که هر یک «نقطه‌ای در زمان» هستند، و نخستین و آخرین آن سه نشانه راه نمایانگر یک نومیدی‌اند. میان نخستین و دومین نشانه راه، یک «دوره زمانی» متمایز وجود دارد، و میان دومین و سومین نقطه زمانی نیز یک «دوره زمانی» متمایز قرار دارد. واژه «نومیدی» از مفهوم یک موعِد از دست‌رفته پدید آمده است

و در تعریف خود بر یک نقطه زمانی تأکید دارد. نیمه شب نیز زمانی مشخص است. این تاریخ پنهان به وسیله سه نقطه زمانی که با دو دوره زمانی از هم جدا شده اند به تصویر کشیده می شود: زمان تأخیر و حرکت ماه هفتم.

هی کی نریشا ایک بھی वेमार्क अंतमि और, है कराता पहचान की नरिशा एक में इतिहास हुए छपि वेमार्क पहला, है रेखा हुई छपि एक की भवष्यद्वाणी तक नरिशा अंतमि लेकर से नरिशा पहली, इसलए है। कराता पहचान भी छाप की ओमेगा और अल्फा उसमें है। होते में रेखाओं-सुधार सब जो है वदियमान चरण तीन वही जसिमें और है होते आरम्भ जो है अनुरूप के वेमार्कों तीन उन अक्षर तीन वाले बनाने "truth" क्योंकि, है वदियमान यहूदा जसि है सत्य वही इतिहास हुआ छपि वह का भीतर के गर्जनों सात है। होते ही पर नरिशा एक भी समाप्त है। रहा खोल समय इस सहि का गोत्र के

بخشی از یوحنا که در نظر داریم، در فصل پیشین با شام آخر معرفی می شود و تأکید می کند که پیام این چهار فصل باید خورده شود. این چهار فصل با رفتن به سوی جتسیمانی پایان می یابد. روایت، در حرکت از خوردن تا هنگامی رخ می دهد که بحران صلیب آغاز می شود. از دیدگاه نبوی، صحنه این چهار فصل، آخرین پیامی را تعریف می کند که باید پیش از داوری خورده شود. پیامی که به بسته شدن داوری می انجامد، همان پیامی است که در کتاب مکاشفه، درست پیش از بسته شدن داوری، از مهر گشوده می شود.

شاگردان و عیسی در آن نقطه از تاریخ نبوی قرار دارند که در آن زمان تأخیر آگاه می شوند. در تاریخ میلریتی، خداوند دست خود را بازداشت تا فهم پیام فریاد نیمه شب پدید آید؛ اما همان فهمی که پیام ساموئل اسنو را پدید آورد، همچنین به میلریتی ها آگاهی داد که آنان در زمان تأخیر ده باکره به سر می برند. شاگردان به تازگی شام آخر را خورده بودند و در حالی که پیام را در خود هضم می کردند، مسیح در چهار باب یوحنا زمان تأخیر را توضیح داد.

برداشت ساموئل اسنو را می توان در قالب سلسله ای از مقالات مستند ساخت؛ مقالاتی که به تدریج به فهم نهایی بازنمایی شده در پیام «ندای نیمه شب» انجامید. هم زمان با شکل گیری پیام او، وی آن را در مجموعه ای از گردهمایی های اردویی نیز ارائه کرد. این سلسله مقالات که به آن گردهمایی های اردویی منتهی شد، سرانجام او را به گردهمایی اردویی اکستر رسانید که شش روز به طول انجامید. از منظر نبوتی، پیام «ندای نیمه شب» به صورت تدریجی و در طی دوره ای از زمان بسط می یابد. آن چهار باب یوحنا در تاریخ نبوتی ای رخ می دهد که در آن، این پیام در حال شکل گیری است.

در چهار باب یوحنا، کار روح القدس در سه مرحله تعریف شده است: اقناع نسبت به گناه، عدالت و داوری. این سه مرحله همچنین سه نشان راه تاریخ پنهانی هستند که در درون هفت رعد نهفته است.

تاہم میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ میرا چلا جانا تمہارے لیے مفید ہے، کیونکہ اگر میں نہ جاؤں تو تسلی دینے والا تمہارے پاس نہ آئے گا؛ لیکن اگر میں روانہ ہو جاؤں تو میں اسے تمہارے پاس بھیج دوں گا۔ اور جب وہ آئے گا تو دنیا کو گناہ، راست بازی، اور عدالت کے بارے میں مجرم ٹھہرائے گا: گناہ کے بارے میں، کیونکہ وہ مجھ پر ایمان نہیں لاتے؛ راست بازی کے بارے میں، کیونکہ میں اپنے باپ کے پاس جاتا ہوں اور تم مجھے پھر نہ دیکھو گے؛ عدالت کے بارے میں، کیونکہ اس دنیا کے سردار پر حکم ہو چکا ہے۔ مجھے تم سے اور بھی بہت سی باتیں کہنی ہیں، لیکن تم ابھی انہیں برداشت نہیں کر سکتے۔ لیکن جب وہ، یعنی روح حق، آئے گا تو وہ تمہاری تمام سچائی میں راہنمائی کرے گا، کیونکہ وہ اپنی طرف سے نہ کہے گا؛ بلکہ جو کچھ سنے گا، وہی کہے گا، اور تمہیں آنے والی باتوں کی خبر دے گا۔ وہ میرا جلال ظاہر کرے گا، اس لیے کہ وہ مجھ ہی سے لے کر تمہیں پہنچائے گا۔ یوحنا 16:7-14۔

در تاریخ میلری، عیسی در ندای نیمه شب بازنگشت تا زمان تأخیر را به پایان رساند. او دست خود را برداشت و روح القدس را فرو ریخت یا فرستاد. روح القدس که به عنوان تسلی‌دهنده معرفی شده است، آمد تا یأس و سرخوردگی را برطرف سازد. او آمد تا برای کسانی که برگزیده شده بودند، اما از سرخوردگی ناشی از پیشگویی تحقق نیافته در حیرت و سردرگمی بودند، تسلی فراهم آورد.

ما پیش‌تر اشاره کرده‌ایم که رسول یوحنا، حزقیال و ارمیا، همگی در حال خوردن آن کتابچه کوچک به تصویر کشیده شده‌اند؛ کتابچه‌ای که در دهان همچون عسل شیرین است. میان این سه نبی تمایزی عمدی وجود دارد که غالباً از نظر دور می‌ماند.

حزقیال برای نمایش آنان به کار گرفته شده است که کتاب کوچک را خوردند و پیامی به ایشان سپرده شد تا آن را نزد کلیسای مرتد خدا ببرند. حزقیال نشان می‌دهد که کتابی که خورده می‌شود، کاری را که پس از آن باید انجام گیرد، معین می‌سازد. او نمایانگر پیامی است که به قوم سابقاً برگزیده خدا داده شد. پیام او همان چیزی است که قوم سابقاً برگزیده را در بسته‌هایی برای آتش مهیا می‌سازد و به هم می‌بندد. عیسی در چهار باب یوحنا، مقصود کار حزقیال را مشخص می‌کند.

آن کلامی را که به شما گفتم، به یاد داشته باشید: غلام از آقای خود بزرگ‌تر نیست. اگر بر من جفا کردند، بر شما نیز جفا خواهند کرد؛ و اگر کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را نیز نگاه خواهند داشت. لیکن تمامی این کارها را به‌خاطر نام من با شما خواهند کرد، زیرا فرستنده مرا نمی‌شناسند. اگر من نیامده بودم و با ایشان سخن نگفته بودم، گناهی نمی‌داشتند؛ اما اکنون برای گناه خود هیچ عذری ندارند. آن‌که از من نفرت دارد، از پدر من نیز نفرت دارد. اگر در میان ایشان آن اعمالی را نکرده بودم که هیچ‌کس دیگر نکرد، گناهی نمی‌داشتند؛ اما اکنون هم دیده‌اند و هم از من و از پدرم نفرت ورزیده‌اند. لیکن این واقع شد تا آن کلامی که در شریعت ایشان مکتوب است، به انجام رسد که: «بی‌سبب از من نفرت داشتند.» اما چون تسلی‌دهنده بیاید، همان که او را از جانب پدر نزد شما خواهم فرستاد، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد. یوحنا ۱۵:۲۰-۲۶.

کار حزقیال، که هنگامی آغاز شد که طومار را خورد، نمایانگر ارائه پیامی است که رد خواهد شد؛ اما این رد شدن، خود گواه آن است که آنان از خدا نفرت دارند و پیمانۀ مهلت آزمایشی خویش را به تمامی پر کرده‌اند.

او به من گفت: «ای پسر انسان، من تو را نزد بنی اسرائیل می‌فرستم، نزد امتی سرکش که بر من عصیان ورزیده‌اند؛ ایشان و پدرانشان تا همین امروز بر من تعدی کرده‌اند. زیرا ایشان فرزندی گستاخ و سخت‌دل‌اند. من تو را نزد ایشان می‌فرستم، و تو به ایشان خواهی گفت: خداوند یهوه چنین می‌فرماید. و ایشان، خواه بشنوند و خواه از شنیدن سر باز زنند، (زیرا خانه‌ای سرکش هستند)، خواهند دانست که نبی‌ای در میان ایشان بوده است.» حزقیال ۲:۳-۵

کار حزقیال همچون شهادتی بر ضد قوم عهد سابق بود، همان‌گونه که مسیح نیز در برابر یهودیان جدل‌پیشه چنین بود؛ از این رو، پیام حزقیال همان پیام هشدار نهایی است که قوم عهد سابق را چون گرکاس‌ها در دسته‌ای به هم می‌بندد، تا برای آتش هلاکت مقرر گردند.

vi al tercer ángel. Dijo el ángel que me acompañaba: "Temible es su obra. 118» Tremenda es su misión. Él es el ángel que ha de separar el trigo de la cizaña, y sellar, o atar, el trigo para el granero celestial. Estas cosas deberían absorber toda la mente, toda la atención."» Primeros Escritos, 118»

کاری کہ با خوردن کتابچہ کوچک نشان داده شده است، زمانی آغاز می‌شود کہ فرشتہ نیرومند با کتابچہ ای کوچک در دست خود فرود می‌آید. در تاریخ فرشتہ اول، این رویداد در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بہ وقوع پیوست، و در تاریخ فرشتہ سوم، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد. ہر دوی این تاریخ‌ها نمایانگر تحقق نبوت‌هایی هستند کہ بہ ترتیب با اسلام وای دوم یا اسلام وای سوم مرتبط‌اند. از ہمین روست کہ اشعیا در باب بیست و دو، آنگاہ کہ بحران وادی رؤیا را برای فیلادلفیان و لائودیکیان توصیف می‌کند، مشخص می‌سازد کہ لائودیکیان، کہ در ۱۸۴۰ قوم برگزیدہ پروتستانیسم بودند و ادونتیسیم کہ در ۲۰۰۱ قوم برگزیدہ بود، «بہ وسیلہٴ کمانداران بستہ شدند.» کمانداران در نبوت کتاب مقدس، اسلام هستند، و ہنگامی کہ رؤیای اسلام در ۱۸۴۰ و در ۲۰۰۱ تحقق یافت، قوم برگزیدہ سابق نبوت اسلام را، آن‌گونہ کہ از سوی کسانی کہ با حزقیال نمایانده شدہ‌اند اراثہ شد، رد کردند. آنان در همان‌جا و در همان زمان همچون زوان بستہ شدند. کار حزقیال این بود کہ «پوشش»ی را کہ «گناہ ایشان» را می‌پوشاند بردارد؛ گناہی کہ عیسی آن را بہ صورت نفرت نسبت بہ خدا بازنمایی می‌کند.

بار وادی رؤیا. اکنون تو را چہ شدہ است کہ یکسر بر بام‌ها برآمده‌ای؟ ای شہری کہ آکنده از ہیاہو هستی، ای شہر پر آشوب، ای شہر شادمان: کشتگان تو بہ شمشیر کشتہ نشدہ‌اند، و در جنگ نمرده‌اند. ہمہ حاکمانت با ہم گریختہ‌اند، و بہ دست کمانداران اسیر شدہ‌اند؛ ہمہٴ آنان کہ در تو یافت شدند، با ہم بہ بند کشیدہ شدند، حال آنکہ از دور گریختہ بودند. اشعیا ۳۱:۳-۳۱:۳۰

و خدا با آن پسر [اسماعیل] بود؛ و او رشد کرد و در بیابان ساکن شد و کمانداری گردید. پیدایش ۳۱:۳۰

جہاں کوئی رؤیا نہیں ہوتی، وہاں لوگ ہلاک ہو جاتے ہیں؛ لیکن جو شریعت پر عمل کرتا ہے، وہ مبارک ہے۔ امثال 29:18

یرمیا نمایاندهٴ کسانی است کہ آن‌گاہ کہ آن فرشتہ نیرومند فرود آمد تا زمین را با جلال خود منور سازد، کتاب را خوردند، اما نومیدی ناشی از پیشگویی نامحقق ۱۸۴۳ را تجربہ کردند. ارمیا از نظر نبوی در این اندیشہ است کہ آیا خدا دروغ گفتہ بود. آن ارجاع، ارمیا را با حقوق دو مرتبط می‌سازد.

بر برج دیدبانی خویش خواہم ایستاد، و بر برج قرار خواہم گرفت، و چشم بہ راہ خواہم بود تا ببینم او با من چہ خواہد گفت، و چون توییخ شوم چہ پاسخ خواہم داد. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها بہ روشنی ثبت کن، تا ہر کہ آن را می‌خواند بدود. زیرا رؤیا ہنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواہد گفت و دروغ نخواہد گفت؛ اگرچہ درنگ نماید، منتظرش باش، زیرا یقیناً خواہد آمد و تأخیر نخواہد کرد. اینک جان او کہ متکبر شدہ است، در وی راست نیست؛ اما عادل بہ ایمان خویش زیست خواہد نمود. حقوق ۲:۱-۴

یوحنا برای نمادین ساختن کسانی بہ کار گرفتہ شد کہ شیرینی و یأس تلخ را تجربہ کردند، و نمایانگر تمام تاریخ از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود.

وَزِفْتُ نَزْدَ فِرْشَتَہِ وَ يَدُوْ كُفْتُمْ: «آن کتابچہٴ کوچک را یمن یدہ.» و او یمن گفت: «آن را یگیر و یتمامی بخور؛ و شیکم را تلخ خواہد ساخت، اما در دہانت چون عسل شیرین خواہد بود.» پس آن کتابچہٴ کوچک را از دست فرشتہ گرفتیم و آن را یتمامی خوردیم؛ و در دہانت چون عسل شیرین بود؛ و چون آن را خوردیم، شیکم تلخ شد. مکاشفہ 10:9، 10

حزقی ایل نمایانگر کار عرضہ داشت پیام نبوی ای است کہ قوم برگزیدہ پیشین را مہر و موم می‌کند؛ کاری کہ ہنگامی آغاز شد کہ فرشتہ در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد.

لیکن تو، اے فرزند آدم، جو کچھ میں تجھ سے کہتا ہوں اسے سن؛ اُس سرکش گہرانے کی مانند سرکش نہ بن؛ اپنا منہ کھول، اور جو میں تجھ دیتا ہوں اسے کھا۔ اور جب میں نے نظر کی، تو

دیکھو، ایک ہاتھ میری طرف بڑھایا گیا؛ اور دیکھو، اُس میں ایک کتاب کا طومار تھا؛ اور اُس نے اسے میرے سامنے کھول دیا؛ اور وہ اندر اور باہر لکھا ہوا تھا؛ اور اُس میں نوحہ، ماتم، اور بائے لکھا ہوا تھا۔ پھر اُس نے مجھ سے کہا، اے فرزندِ آدم، جو کچھ تجھے ملے اسے کہا؛ اِس طومار کو کہا، اور جا کر اسرائیل کے گھرانے سے کلام کر۔ چنانچہ میں نے اپنا منہ کھولا، اور اُس نے مجھے وہ طومار کھلایا۔ اور اُس نے مجھ سے کہا، اے فرزندِ آدم، اپنے پیٹ کو کھلا اور اپنی انتڑیوں کو اِس طومار سے بھر لے جو میں تجھے دیتا ہوں۔ تب میں نے اسے کھایا؛ اور وہ میرے منہ میں مٹھاس کے سبب شہد کی مانند تھا۔ حزقی ایل 2:8-3:3۔

ارمیا نمایانگر تاریخ ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا اندکی پیش از ندای نیمہ شب است۔

سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم؛ و کلام تو برای من شادی و وجد دل من گردید؛ زیرا نام تو بر من خوانده شدہ است، ای یھوہ، خدای لشکرہا۔ در مجلس استہزاکنندگان ننشستم و شادمانی نکردم؛ بہ سبب دست تو تنہا نشستم، زیرا مرا از خشم پر ساختہ ای۔ چرا درد من جاودانہ است و جراحت من علاج ناپذیر، کہ از شفا یافتن سر باز می زند؟ آیا تو برای من سراسر چون دروغی خواہی بود، و چون آب ہایی کہ وفا نمی کنند؟ پس یھوہ چنین می گوید: اگر بازگشت نمایی، آنگاہ تو را باز خواہم آورد، و تو بہ حضور من خواہی ایستاد؛ و اگر گران بھا را از پست جدا سازی، همچون دھان من خواہی بود؛ ایشان بہ سوی تو بازگردند، اما تو بہ سوی ایشان بازنگرد۔ و تو را برای این قوم دیواری مفرغین استوار خواہم ساخت؛ و با تو خواہند جنگید، اما بر تو غالب نخواہند آمد؛ زیرا من با تو ہستم تا تو را نجات دھم و رہایی بخشم، یھوہ می گوید۔ و تو را از دست شیربان خواہم رھانید، و از دست ستمکاران فدیہ خواہم داد۔ ارمیا ۱۵:۱۶-۲۱

یرمیاہ ہماری موجودہ تاریخ اور پیغام کی نمائندگی کرتا ہے۔ موجودہ پیغام نصف اللیل کی پکار کا پیغام ہے، جو بتدریج اُس مقام پر ترقی پا رہا ہے جب خدا کے لوگ، جن کی نمائندگی یرمیاہ کرتا ہے، "غیظ و غضب" سے "بھریے گئے" ہیں، یہ سمجھتے ہوئے کہ اُن کا "درد" "ہمیشہ" کے لیے ہوگا اور اُن کا "زخم لاعلاج" ہے، ایسا زخم جو کبھی مندمل نہ ہوگا۔ وہ "تمسخر کرنے والوں کی مجلس" سے الگ ہو چکے ہیں۔ وہ اب ویسے "شادمان" نہیں ہوتے جیسے اُس وقت ہوتے تھے جب انہوں نے پہلی بار کتاب کھائی تھی اور وہ اُن کے "دل کی خوشی اور شادمانی" تھی۔

اما برای آنان کہ در آن وضعیت اند، مشورتی ہست۔ «اگر بازگردی» و نیز «اگر گران بھا را از پست جدا سازی»، آنگاہ خدا نزد ایشان باز خواہد گشت۔ در عبری، عبارت «تو را باز خواہم گردانید» در این آیہ بدین معناست کہ اگر آنان بہ سوی او بازگردند، خدا نیز نزد ایشان باز خواہد گشت۔

پس خود را مطیع خدا سازید۔ در برابر ابلیس مقاومت کنید، و او از شما خواہد گریخت۔ بہ خدا نزدیک شوید، و او بہ شما نزدیک خواہد شد۔ ای گناہکاران، دست ہای خود را طاہر سازید؛ و ای دودلان، دل ہای خویش را پاک گردانید۔ بہ سختی بیفتید، و ماتم کنید، و بگریید؛ خندہ شما بہ ماتم، و شادی شما بہ اندوہ مبدل گردد۔ در حضور خداوند فروتن شوید، و او شما را سرافراز خواہد ساخت۔ یعقوب ۷:۴-۱۰۔

اگر وہ خدا کے نزدیک آئیں گے تو وہ بھی اُن کے نزدیک آئے گا۔ اگر وہ یہ کام کریں گے، تو وہ خداوند کے "حضور کھڑے ہوں گے" اور وہ خدا کے "منہ" ہوں گے۔ مزید یہ کہ وہ یرمیاہ (ہم) کو ہدایت دیتا ہے کہ وہ اپنی قوم کو شہیروں کے مقابل ایک "مضبوط پیتل کی دیوار" بنائے گا، اور اس کے بعد "بیت ناک" لوگ اُن کے خلاف جنگ برپا کریں گے جن کی نمائندگی یرمیاہ کرتا ہے۔ "شریر" دانی ایل کی اُس تمثیل کی نمائندگی کرتے ہیں جو متی کی بیوقوف کنواریوں سے متعلق ہے۔ "بیت ناک" اتوار کے قانون کے بحران کے دوران جدید بابل کے سہ گانہ اتحاد کی نمائندگی کرتا ہے۔

گواہی‌های آن سه نبی همگی به یک تاریخ واحد می‌پردازند، اما هر یک سه بُعد متفاوت از همان تاریخ واحد را مورد خطاب قرار می‌دهند. ارمیا نمایندهٔ کسانی است که به‌تازگی نخستین نومیدی را تجربه کرده‌اند، اما هنوز به نشانهٔ راه فریاد نیمه‌شب نرسیده‌اند. این همان جایی است که ما از ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ تاکنون در آن بوده‌ایم. پرسش این است که آیا بازخواهیم گشت یا نه. اگر بازگردیم، برای خداوند «سخن خواهیم گفت» درست در همان زمانی که ایالات متحده همچون اژدها «سخن می‌گوید».

تاریخی را که ارمیا ترسیم می‌کند، تاریخ کنونی ماست و همان تاریخی است که به‌وسیلهٔ سه نشانهٔ پنهان در میان هفت رعد بازنمایی شده است. همچنین این همان تاریخی است که آن بخش در یوحنا به‌گونه‌ای نبوی در آن قرار گرفته است؛ زیرا تأکید آن چهار باب در یوحنا بر کار روح‌القدس در تسلی‌دادن ارمیاست، ارمیایی که می‌پرسد آیا دروغی را باور کرده است، و آیا آن پیامی که چنان شیرین می‌نمود، در واقع آب‌های ناکام بوده است.

از این رو ارمیا نمایانگر تاریخ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بعد تا ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ است، زمانی که دورهٔ تأخیر آغاز شد؛ چنان‌که سه روز و نیم نمادین پس از آن را باز می‌نماید. هنگامی که می‌گوییم «نمادین»، مقصودم پیشگویی زمانی نیست. مرادم این است که ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ زمانی است که دو شاهد، یعنی کتاب مقدس و روح نبوت، کشته شدند و اجساد ایشان به مدت سه روز و نیم در کوچه رها شد، چنان‌که در مکاشفهٔ باب یازدهم آمده است.

اور میں اپنے دو گواہوں کو اختیار دوں گا، اور وہ ٹاٹ اوڑھے ہوئے ایک ہزار دو سو ساٹھ دن تک نبوت کریں گے۔ یہ وہی دو زیتون کے درخت ہیں، اور دو شمعدان جو زمین کے خدا کے حضور کھڑے ہیں۔ اور اگر کوئی انہیں ایذا پہنچانا چاہے تو ان کے منہ سے آگ نکلتی ہے اور ان کے دشمنوں کو بہسم کر دیتی ہے؛ اور اگر کوئی انہیں ایذا پہنچانا چاہے تو اسی طرح مارا جانا ضروری ہے۔ ان کو یہ قدرت حاصل ہے کہ آسمان کو بند کر دیں تاکہ ان کی نبوت کے ایام میں بارش نہ ہو؛ اور پانیوں پر بھی اختیار رکھتے ہیں کہ انہیں خون میں بدل دیں، اور زمین کو ہر طرح کی آفتوں سے، جتنی بار چاہیں، مبتلا کریں۔ اور جب وہ اپنی گواہی پوری کر چکیں گے تو وہ درندہ جو اتھاہ گڑھے میں سے چڑھتا ہے، ان سے جنگ کرے گا، اور ان پر غالب آئے گا، اور انہیں قتل کر ڈالے گا۔ اور ان کی لاشیں اس بڑے شہر کی سڑک پر پڑی رہیں گی، جو روحانی معنوں میں سدوم اور مصر کہلاتا ہے، جہاں ہمارا خداوند بھی مصلوب ہوا تھا۔ اور لوگوں اور قبیلوں اور زبانوں اور امتوں میں سے لوگ ان کی لاشوں کو ساڑھے تین دن تک دیکھتے رہیں گے، اور ان کی لاشوں کو قبروں میں رکھنے نہ دیں گے۔ اور زمین پر بسنے والے ان پر خوشی کریں گے، اور شادمانی منائیں گے، اور ایک دوسرے کو تحفے بھیجیں گے، کیونکہ ان دو نبیوں نے زمین پر بسنے والوں کو عذاب میں مبتلا رکھا تھا۔ مکاشفہ 10-11:3.

گواہی‌ای کہ وضعیت ارمیا ارائه می‌کند، پس از نومیدی قرار دارد، اما پیش از فریاد نیمه‌شب. ارمیا نیاز داشت بازگردد، پیش از آنکه بتواند صدای پیام فریاد نیمه‌شب باشد. این وضعیت ما امروز است. این همچنین بستر تاریخی آن چهار باب در یوحناست که در حال بررسی آن‌ها هستیم، و نیز همان تاریخی است که در تاریخ پنهان درون هفت رعد نمایان شده است.

Si consideramos la luz relacionada con el «Consolador» en el testimonio de cuatro capítulos de Juan, hallamos abundante evidencia para reconocer que la narrativa trata del 18 de julio de 2020, del chasco y del tiempo de tardanza, del mensaje del Clamor de Medianoche que es desellado, y del juicio venidero de la ley dominical. Los capítulos se edifican sobre la estructura profética de la historia oculta

اگر قرار است ما در بحران به زودی درپیش آمده همچون دهان خدا باشیم، کار ما اکنون این است که «گرانیه‌ها را از پست بیرون آوریم»؛ یا چنان‌که یعقوب همین کار را معرفی می‌کند، باید «دست‌های خود را پاک سازید، ای گناهکاران؛ و دل‌های خویش را طاهر گردانید، ای دودلان. محزون شوید، و ماتم گیرید، و بگریید؛ خنده شما به ماتم، و شادی شما به اندوه مبدل گردد. در حضور خداوند فروتن شوید، و او شما را سرافراز خواهد ساخت» همچون عَلمی در آینده‌ای بسیار نزدیک.

و او برای امت‌ها عَلمی برپا خواهد کرد، و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد. اشعیا ۱۱:۱۲.

ما بررسی این چهار فصل را در مقاله بعدی به پایان خواهیم رساند.